فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۵۰-۱۲۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۶

ظهور داعش و دگردیسی در رفتار کردها (سوریه و عراق)

روح‌الله طالبی‌آرانی[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
یحیی زرین‌نرگس[۲]
کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۱ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۵/۰۶/۱۱

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

ظهور داعش در وضعیت شکننده‌ی خاورمیانه، تغییرات اساسی را در رفتار، موقعیت و وضعیت دولت‌ها و نیروهای فروملی، قدرت‌های منطقه و بین‌المللی ایجاد نموده است. در این میان کردها، در کانون دگردیسی‌های منطقه‌ای ناشی از ظهور داعش قرار گرفتند. نوشتار حاضر تبیین می‌کند که ظهور داعش چه تاثیری را بر جایگاه و دگرگونی وضعیت سیاسی کردهای عراق و سوریه داشته است. مقاله با روندکاوی و بهره‌گیری از روش تحلیلی، استدلال می‌کند که موجودیت داعش در کنار تهدیدات خاص خود برای کردها تبدیل به محرکی اساسی برای افزایش وزن سیاسی و پرستیژ بین‌المللی آنها در سوریه و عراق شده است. در مجموع، کردهای سوریه با گذار از وضعیت انفعال سیاسی چند دهه‌ای، شمال سوریه را در قالب نظام کنفدرالیسم دموکراتیک تحت کنترل خود گرفته‌اند. کردهای عراق نیز، در نتیجه ظهور داعش گام‌هایی جدی را در مسیر کسب استقلال‌خواهی بر داشته‌اند. درک این مسائل، با یک سؤال جدی همراه است؛ ظهور داعش چه تاثیری بر جایگاه و دگرگونی وضعیت سیاسی و نظامی کردها در عراق و سوریه داشته است؟

واژه‌های کلیدی: داعش، سوریه، عراق، کردها، یگان‌های مدافع خلق، کوبانی.

1.aranipolitics@gmail.com
2. yahyazarrin@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مقدمه

غالب رژیم‌های سیاسی حاکم در کشورهای اسلامی خاورمیانه را دولت‌های اقتدارگرایی تشکیل می‌دهند، که از دموکراسی فاصله‌ی زیادی دارند و حتا بر اساس منطق توسعه نمی‌توانند اقتدارگرایی خود را توجیه کنند (رنجبر و صیاد ۱۳۹۲: ۱۰۰). در واکنش به این رژیم‌ها، خیزش‌های مردمی از سال ۲۰۱۰ به این سو، بارقه‌های امید را برای رخت بربستن استبداد در کشورهای عربی ایجاد نمود، بهاری که با «انقلاب یأس» آغاز گردید (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹٤: ۲۳)، و به تنش‌های گسترده‌ای در میان جوامع خاورمیانه‌ای دامن زد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای ناشی از این خیزش‌ها، این بود که روند فعالیت‌های تروریستی ـ تکفیری در خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ رو به فزونی نهاد. معرّف چنین الگوی رفتار خشن و خطرناکی، گروه‌هایی نظیر داعش و جبهه‌النصره (جبهه فتح الشام کنونی) هستند (کریمی‌مله و گرشاسبی، ۱۳۹٤: ۱۵٦) که به شکل خشونت‌باری منطقه را به خاک و خون کشیده‌اند.

در مقابله با ظهور این نیروها، جمهوری اسلامی ایران، هم‌چون کشوری پیشگام در مبارزه با تروریسم وارد عمل شد و در عراق و سوریه، نقش چشم‌گیری در مبارزه با پیشروی داعش و نیز مبارزه با النصره ایفا نمود. چراکه دولت اسلامی یا داعش و جبهه‌النصره، حامل تهدیدات فزاینده‌ای در سطح منطقه‌ای برای ایران هستند (حاتمی، ۱۳۹٤: ۳۸). چراکه علاوه بر تهدید منافع ملی کشور در منطقه، خود نیز به قربانی عملیات تروریستی داعش در داخل بدل شده و در ۱۷ خرداد ۱۳۹٦، دو عملیات تروریستی در مجلس شورای اسلامی و نیز مقبره‌ی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) به وقوع پیوست.

هم‌اکنون عراق، سوریه، یمن، لیبی، ترکیه، تونس، لبنان و مصر درگیر جنگ یا بی‌ثباتی سیاسی شدید ناشی از فعالیت‌های تکفیری‌ها شده‌اند (کرم‌زادی، بهار ۱۳۹۵: ۱۱٤). در کنار این، دولت‌های زیادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم این پدیده‌ی تروریستی قرار گرفته‌اند (نظری و قنبری، ۱۳۹۳). در این میان، کردها را می‌توان یکی از بازیگران سیاسی مهمی دانست که از ظهور داعش تأثیر پذیرفتند. این تأثیرپذیری از چند عامل نشأت می‌گیرد: **نخست**؛ کردها در پهنه‌ی جغرافیایی گسترده‌ای سکونت دارند. **دوم**؛ قومیتی هستند که از حیث جمعیت در قیاس با عرب‌ها، ترک‌ها و فارس‌ها در خاورمیانه کم‌شمارترند و از این رو تلاش می‌کنند از هر رویداد جهت هماوردی با دیگران بهره گیرند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

سوم، کردها تنها هئیت اجتماعی بزرگ بی‌دولت در خاورمیانه به شمار می‌آیند، لذا از هر فرصتی برای ابراز استقلال سیاسی استفاده می‌کنند (میلر، ۱۳۸۵). در همین ارتباط، نوشتار حاضر می‌کوشد به این پرسش کلیدی پاسخ دهد که «ظهور داعش چه تاثیری بر جایگاه و دگرگونی وضعیت سیاسی کردها در عراق و سوریه داشته است؟»

برای پاسخ به این پرسش، فرضیه‌ای مقدماتی طراحی شده است، که کردها با استفاده از هر بحران در سطح داخلی و منطقه‌ای زمینه را برای پیگیری آمال سیاسی ـ تاریخی خود فراهم دیده و ظهور داعش در عراق و سوریه به آنها فرصت لازم را برای تدارک حاکمیت سرزمینی در سوریه و ادعای استقلال‌خواهی در عراق داده است. بنابراین، مقاله حاضر دو بخش اصلی دارد، نخست بررسی وضعیت کردها در دو کشور پیش از ظهور داعش و دوم تحلیل وضعیت و پویش سیاسی کردها پس از ظهور داعش در عراق و سوریه.

ادبیات پژوهش

در بخش ادبیات پژوهش، می‌توان به طیفی از آثار منتشره در مورد کردها در عراق و سوریه، پیش و پس از ظهور داعش اشاره نمود، کتاب «**کردها در عراق: گذشته، حال و آینده**» نوشته‌ی کریم یلدیز، برپایه‌ی رهیافتی نوین به بررسی وجوه مختلف مساله‌ی کردها در عراق از گذشته‌ی تاریخی تا اواخر دهه‌ی ۲۰۰۰ می‌پردازد. یلدیز به خوبی میان قطعات مختلف تاریخ سیاسی و اجتماعی کردها در عراق ارتباط برقرار کرده و دلایل مترتب بر آن وضعیت را در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیان می‌کند (یلدیز، ۱۳۹۱). کتاب «**کردها، عرب‌ها و انگلیسی‌ها**» اثری است تاریخی در مورد کردهای عراق، که بر اساس خاطرات والاس لایان در عراق توسط دیوید فیلدهاوس، گردآوری و تألیف شده است. این اثر حاصل دیده‌ها و نیز مأموریت‌های لایان در عراق و نیز مناطق کردنشین در دوران بین دو جنگ جهانی است (فیلدهاوس، ۱۳۹۵). دیوید فیلیپس، متخصص مسائل کردها و استاد برجسته آمریکایی در سال ۲۰۱۵، کتاب «**بهار کردی**» را با تاکید بر تحولات مناطق کردنشین، خصوصاً با تمرکز بر کردستان عراق منتشر نمود. فیلیپس در این کتاب انقیاد کردها از سوی قدرت‌های عرب و عثمانی را مورد واکاوی قرار داده و تحول وضعیت کردها را از قربانی قدرت‌های بزرگ به سوی جامعه‌ی منسجم سیاسی را مورد مداقه قرار می‌دهد (Phillips, 2015).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ژوردی تژل در کتاب «**کردها در سوریه: تاریخ، سیاست و جامعه**» به بررسی شکل‌گیری آگاهی سیاسی ـ اجتماعی کردها در سوریه از مجرای تحولات تاریخی این کشور تا به امروز می‌پردازد. کتاب علاوه بر دارابودن بعد نظری در تحلیل جنبش کردی سوریه، به ارائه‌ی زمینه‌های اتنو ـ گرافیکی در مورد واقعیت‌های وجودی کردهای سوریه می‌پردازد تا از دل آن، به درکی از وضعیت کردها در سوریه معاصر و خصوصاً پس از خیزش‌های ۲۰۱۱ نائل آید (تژل، ۱۳۹۵). کتاب «**روژآوا: آلترناتیوی برای امپریالیسم، ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در خاورمیانه**» اثری است تحلیلی از اُسو سابیو که تلاش دارد به تحولات کردستان سوریه پس از ۲۰۱۱ و ظهور سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک بپردازد. این اثر علاوه‌بر بررسی وضعیت نظری کنفدرالیسم دموکراتیک در کردستان سوریه، به خوانشی از تاریخ تحولات خاورمیانه می‌پردازد که شامل دوران امپریالیسم، دوران ناسیونالیسم و پس از آن، یعنی اسلام‌گرایی است تا در نهایت به روژآوا به عنوان بدیلی نوین برای تحولات خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ نائل آید (Sabio, 2015).

بر اساس آنچه گفت شد، در اثر یلدیز، رویکرد حقوقی به مساله کردها در عراق را شاهدیم. کتاب فیلدهاوس نیز اثری روایتی از تحولات تاریخی کردها در عراق است و بر مشاهدات لایان متکی است تا دیدگاهی علمی و آکادمیک. بهار کردی تلاش دارد تا وضعیت کردها را با عنایت به تحولات پس از هزاره‌ی سوم و نیز ظهور داعش به خصوص در عراق مورد سنجش قرار دهد. تژل نیز به عنوان یک ژورنالیست نگاهی جامعه‌شناختی به تحولات کردها در سوریه دارد. در نهایت اثر سابیو را باید تلاشی نظری برای مفهوم‌پردازی نظری تحولات کردستان سوریه به عنوان بدیل امپریالیسم، ناسیونالیسم و اسلام‌گرایی دانست تا اثری که بر تحولات عملیاتی کردها در سوریه تکیه کرده باشد. به همین منظور نگارندگان این نوشتار در تلاش‌اند با بهره‌گیری از ایده‌ی بحران و فرصت‌سازی به بررسی وضعیت کردها با عنایت به ظهور داعش بپردازند. به این معنا که کردها به بحران داعش به عنوان یک فرصت نگریسته و از دل آن به پیگیری امیال خود پرداخته‌اند.

۱ـ زمینه‌یابی ظهور داعش

صعود القاعده به‌عنوان عاملی در بازی قدرت در فضای بحرانی عراق، از همال روزی که این

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کشور به اشغال نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا درآمده، آغاز شده بود؛ از همان سال ۲۰۰۳. ابومصعب الزرقاوی، به‌عنوان شخص اول القاعده در عراق رخ می‌نمایاند. این مرد، پیش از آن قصد داشت با حزب «توحید و جهاد» خود، بساط سلطنت اردن را سرنگون کند، اما ناگهان اشغال عراق از سوی آمریکا، امکانات کاملاً متفاوتی پیش‌روی وی گذاشت (تودنهوفر، ۱۳۹٤: ١٤). در نتیجه، حمله‌ی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، فرصت و فضای مناسبی را برای حضور و نقش‌آفرینی گروه‌های تروریستی مختلف از جمله گروه‌های مرتبط با القاعده در این کشور به وجود آورد (میرزا زاده، ۱۳۹٤: ۳۲). شاخه‌ی القاعده در عراق در طی مبارزه علیه ایالات متحده و هم‌پیمانانش به تدریج خود را پروراند، نام دولت اسلامی در عراق[1] را بر خود نهاد و به نیروی مرکزی میان شورشیان ضدآمریکایی تبدیل شد (terrorism-info.org.il). پس از کشته‌شدن زرقاوی به‌دست نیروهای آمریکایی در ژوئن ۲۰۰٦، رهبران القاعده گروه خود را با نام دولت اسلامی عراق از نو جمع کردند. دولت اسلامی عراق در سال ۲۰۱۰، دو تن از معروف‌ترین رهبران خود را از دست داد[2]، به شدت ضعیف شد، اما از بین نرفت. با عقب‌نشینی آمریکا در سال ۲۰۱۱، بار دیگر به رهبری ابراهیم عواد ابراهیم البدری السامرایی (معروف به ابوبکر البغدادی) کار خود را از سر گرفت.

در آوریل ۲۰۱۳، ابوبکر بغدادی، میل خود را در جهت جمع‌کردن نیروهایش در عراق و سوریه (همراه با گروه النصره)، ذیل نام دولت اسلامی در عراق و شام، اعلام نمود. النصره و رهبران القاعده با تاکید بر این امر، که کشمکش‌ها میان سنی‌های تندرو در منطقه در حال افزایش است، این هم‌پیمانی را رد نمودند (که‌تزمه‌ن و هاوکاران، ۱۳۹٤: ٦٥– ٦٤). با این وجود، در نهایت در جولای ۲۰۱٤ تشکیل خلافت اسلامی اعلام شد و به نام «دولت اسلامی» تغییر یافت. (Todenhofer, 2015: 7). در واقع، داعش پدیده‌ای سیاسی، نظامی، مذهبی، ایدئولوژیک و اجتماعی محسوب می‌شود. مجموعه‌ای از ویژگی‌های متضاد فکری، سیاسی و اجتماعی در این گروه سازمان یافته است (ئه‌بوبه‌کر عه‌لی، ۲۰۱۵: ۷ـ ۸). پس از آن، داعش تهاجم خود را در خاک عراق و سوریه‌ی بحرانی تشدید نمود و بخش‌هایی از این کشورها را به کنترل خود درآورد.

1. Islamic State in Iraq (ISI)

۲. منظور ابوایوب‌المصری و ابوعبدالرشید البغدادی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

قدرت حضور داعش ناگهان و به شکلی بسیار خشن شدت یافت. حضور روزافزون داعش در دو سرزمین عراق و سوریه رسمیت یافت، آن‌هم با جاه‌طلبی‌های سیاسی ـ نظامی این گروه در سوریه و هم‌زمان با اعلام خلافت اسلامی از طرف رهبر گروه؛ ابوبکر بغدادی. داعش سنگرهای را پشت‌سرهم فتح کرد و به کشورهای منطقه و هم‌چنین قدرت‌های بزرگ و «کافر» اعلام جنگ داد و این اتفاق‌ها خیلی زود به این پدیده ابعاد جهانی بخشید (لوییزار، ۱۳۹٦: ۱۵ـ۱٦). در ٦ ژوئن ۲۰۱٤، جنگجویان داعش حمله به موصل ـ دومین شهر بزرگ عراق ـ را شروع کردند، ٤ روز بعد شهر سقوط کرد. (Cockburn, 2015). «پس از گرفتن موصل، جنگ‌جویان تحت رهبری داعش به سوی شهر محل زندگی صدام؛ تکریت و دیگر شهرها در استان دیاله حرکت کردند که جمعیت‌هایی حدوداً برابر از شیعه و سنی داشت» (Katzman and others, 2014: 3). سقوط موصل، و شهرهای مهمی چون تکریت و بخش‌های بزرگی از استان الانبار، زمینه را برای پروژه‌ی نهایی داعش، یعنی «تأسیس خلافت اسلامی» خودخوانده مهیا کرد (صالحی و مرادی‌نیاز، ۱۳۹٤: ۱۰۵). به‌زودی، دیگر اقلیت‌های مذهبی هدف قرار گرفتند. همه‌ی مسیحی‌ها، فرزندان بومی جماعات آشوری، که برای حداقل ۳۰۰۰ سال در عراق ساکن بوده‌اند، از موصل رانده شدند. (Friedland, 2015: 27). در ۳ آگوست ۲۰۱٤، مردان مسلح داعش به غرب موصل یعنی منطقه‌ی شنگال (سنجار)، موطن کردهای ایزدی یورش بردند. داعش شهر را در عرض کمتر از ۲٤ ساعت، به‌واسطه‌ی عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگه از موقعیت‌هایشان به کنترل درآورد و این امر با کشتار صدها نفر و نیز به برده‌گرفتن بیش از هزار زن ایزدی انجامید (KNK, 2014: 6).

در سوریه نیز داستان به گونه‌ای تراژیک با گسترش داعش رقم خورد. داعش خیلی زود نیروهای خود را در تمام دره‌ی فرات، از ابوکمال تا رقه، مستقر کرد و دیروالزور را هم که در میان این دو نقطه قرار داشت تحت کنترل کامل خود گرفت (لوییزار، ۱۳۹٦: ۱۱٤). حمله به کوبانی در کردستان سوریه نیز با کشتار مردم این منطقه و محاصره‌ی شهر توسط داعش همراه شد (عطوان، ۱۳۹۵)، اما به‌تدریج اسطوره‌ی قدرت و پیشرفت داعش در هم شکست. آروزهای خونین داعش برای منطقه، بدل به یک رؤیا شد، چرا که این نیرو در سال ۲۰۱٦ و می ۲۰۱۷ در سوریه و عراق، با حملات ائتلاف بین‌المللی با حمایت از نیروهای داخلی در این دو کشور مواجه شد. جمهوری اسلامی ایران و نیروهای حشد شعبی که تحت رهبری

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

این کشور قرار دارند به همراه دولت بشار اسد و نیز دولت مرکزی عراق، ضربات سنگینی را به داعش در عراق و سوریه وارد نموده‌اند. اکنون جنگ با داعش در موصل و رقه در حال پیگیری است که با شکست این نیرو همراه بوده است. آینده‌ی این نیرو را می‌توان پایان کنترل و قدرت سرزمینی آن دانست، اما هرگز ایده‌ی داعش و یا خشونت‌های مانند آن در عراق و منطقه از بین نخواهد رفت و به قول بختیار علی (۱۳۹٤) این نیرو روح تفکر شرقی است که هر باره و به شکل از سوی آن فراخوانده می‌شود.

۲ـ جایگاه سیاسی کردها پیش از ظهور داعش در عراق و سوریه

۲ـ۱. سوریه

کردستان سوریه محصول تحولات پس از توافق سایکس ـ پیکو و تشکیل دولت سوریه مدرن پس از سه دهه از این توافق می‌باشند. کردها به‌عنوان بخشی از سوریه‌ی مدرن، در طی دوران تاریخی حدوداً یک قرن گذشته، بارها مورد تهاجم و ستم حکومت مرکزی قرار گرفته و حاکمان سوریه از پذیرش بخشی از کردها به‌عنوان شهروند سرباززده، آن‌ها را مورد تعقیب، آزار و شکنجه قرار داده و از هرگونه پذیرش سیاسی و اجتماعی آنها به شکلی برابر با دیگر شهروندان سرباز زده‌اند (Phillips, 2015).

بعد از کودتای ۱۹٥٤ سیاست تعریب (عربی‌کردن) برای «ایجاد و رشد فرهنگ واحد عربی» در کشور سوریه آغاز شد و بر پایه‌ی این الزام که سوریه باید کشوری عربی شود، عدم تأمین آزادی و حقوق شهروندان غیرعرب مورد تاکید قرار گرفت. شرایط کردها بعد از دهه ۱۹٦۰ به‌گونه‌ای شد که به بسیاری از آنان به‌عنوان خارجی لقب «اجانب» داده شد. در طی دهه‌های بعد نیز، هم‌چنان سیاست تبعیض‌آمیز در قبال کردها ادامه یافت، به‌طوری که یکی از شدیدترین نمونه‌ها، تداوم سیاست خشن حکومت مرکزی در برابر کردهای واقع در استان حسکه بوده است (نصری و سلیمی، ۱۳۹۳: ٤۳ ـ ٤٤). این استان کردنشین و مناطق اطراف آن و خصوصاً جزیره، به‌واسطه‌ی جمعیت کردی و ترس از تحرکات آنها، برای حکومت چون تهدیدی نگریسته می‌شد و تلاش‌هایی برای رفع این تهدید انجام شد.

در روز دوازدهم نوامبر ۱۹٦۳، ستوان محمد طالب الهلال، رئیس پیشین سرویس‌های اطلاعاتی در حسکه، گزارشی درباره‌ی جزیره منتشر کرد که منبع الهام در مدیریت مساله

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

کردها بود. نویسنده‌ی گزارش، خواستار افزایش سیاست‌های سرکوب‌گرانه در تمامی حوزه‌ها شد، تا همه‌ی نشانه‌های هویت کردی را از جزیره پاک کند (تِزل، ۱۳۹۵). در ادامه و طی دهه‌ی آتی فشارها بر کردها در سوریه ادامه داشت، بر اساس حکم استانداری حسکه در سال۱۹۸٦، کردها در محیط کار حق تکلم به زبان کردی را نداشتند. هم‌چنین، در سال ۱۹۸۸ حکومت در حکم دیگری ضمن تصدیق حکم قبلی ممنوعیت استفاده از زبان‌های غیرعربی را در جشن‌ها، مراسم عروسی و هرگونه آوازخوانی اعلام نمود (نصری و سلیمی، ۱۳۹۳: ٤٥– ٤٣). این روند با فرازونشیب‌هایی، وضعیت کردها در سوریه بعثی، در دوران حافظ اسد را شکل می‌داد که تا روی‌کار آمدن بشار اسد در یک دهه بعد، ادامه داشت.

با مرگ حافظ اسد در سال ۲۰۰۰ و آرام‌شدن جو بهار دمشق پس از تحولات سال‌های آخر عمر حافظ اسد و روی‌کارآمدن بشار اسد، فضای سیاسی به شکلی محدود باز شد. سازمان‌های سیاسی کردی به شکلی بازتر اجازه‌ی ظهور یافتند، و فعالیت‌ها و حمایت‌شان را از جنبش مدنی کردی را افزایش دادند. علاوه‌بر این، نظام سیاسی سوریه رویکرد خود را درباره نشر کتب، موسیقی و آموزش زبان کردی تلطیف نمود. اما، این وضعیت دیری نپایید و در پنجمین سال حضور بشار اسد در قدرت، فعالان کرد بارها تهدید و بازداشت شدند و شعائر ضدکردی و محدودیت‌ها بر فعالیت‌های کردها به جای خود برگشت. جنگ ۲۰۰۳، یعنی حمله امریکا به عراق نیز تنش میان کردها و اعراب را در سوریه برجسته نمود (Lowe and House, 2006: 4-5)، چراکه اعراب کردها را به حمایت از جنگ به رهبری آمریکا علیه یک برادر و ملت عرب متهم می‌کردند.

در نتیجه، تنش‌ها از این تاریخ به بعد به شکل پایدار ادامه داشت. منازعه بار دیگر در یک بازی فوتبال در ۱۲ مارس ۲۰۰٤، از سر گرفته شد که به درگیری میان طرفداران کرد و عرب، و کشته‌شدن ۷ کرد انجامید. تظاهرات در شهرهای مختلف قامشلو، جزیره، عفرین و دمشق بالا گرفت. کردها به حمایت خارجی و ناآرام کردن سوریه متهم شدند. در سال ۲۰۰۵ نیز تظاهرات‌ها در کوبانی، با هدف مطالبه‌ی حق شهروندی، با خشونت پلیس مواجه شد (Lowe and House, 2006: 6). وقایع خشونت‌بار مارس ۲۰۰٤ در کردستان سوریه و مناطق کردنشین شهرهای حلب و دمشق نشان از ظهور اعتراض‌های ضددولتی مردم کرد در صحنه‌ی سیاسی سوریه بود. جنبش کردی از این دوران به بعد، ابعاد نوینی به خود گرفت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

که مهم‌ترین آن، همه‌گیرشدن جنبش کردی در میان تمام کردهای سوریه بود (تژل، ۱۳۹۵). تنش‌ها به شکل نیم‌بند و مداوم برای سال‌های پس از ۲۰۰٤ نیز ادامه داشت، تا این‌که تحولات پس از اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ و جنگ داخلی میان دولت و نیروهای اپوزیسیون سوریه، فرصتی را که کردها در صدد دست‌یابی به آن بودند، در اختیارشان قرار داد و با ظهور داعش (Sabio, 2015)، این بحران به فرصتی برای کردها در جهت پیگیری امیال سیاسی ـ تاریخی‌شان بدل شد.

۲ـ۲. عراق

الف) کردهای عراق از شکل‌گیری دولت مدرن تا ۱۹۹۰

نقشه‌ی قدرت‌های بزرگ برای انتقام تاریخی از عثمانی که با آلمان در جنگ جهانی هم‌صدا شده بود، در جهت نابودی این امپراتوری و شکل‌دادن به مناطق تحت‌کنترلِ خود در این سرزمین‌ها بود، که بر اساس مجموعه‌ای از توافق‌ها انجام گرفت. یکی از این توافق‌ها سایکس‌ـ پیکو بود، که کنترل آنچه که امروز سوریه و لبنان نامیده می‌شود را به فرانسه داد، درحالی‌که، بریتانیا، عراق و منطقه‌ی اردن و اسرائیل را به‌دست گرفت (GLRC, 2004: 11). اما نمی‌دانستند با نواحی کوهستانی و کردنشین شمال و شرق و به‌ویژه شهر کرکوک که چندقومیتی بود و پس‌زمینه‌ی آن را مناطق کردنشین تشکیل می‌دادند، چه کنند. از آن‌جا که منطقه‌ی کرکوک بخش عمده‌ی نفت عراق را تأمین می‌کرد کنترل و تسلط بر نواحی کردنشین برای تضمین رشد اقتصادی عراق بسیار اهمیت داشت. بریتانیا نیز ترتیبی‌داد تا استان موصل واقع در امپراتوری عثمانی سابق به عراق منضمم شود. پس از یک دوره قیمومت، با امضای قرارداد ۱۹۳۰، میان انگلیس و عراق، به کشور پادشاهی عراق استقلال کامل اعطا شد و به کردهای مناطق کردنشین تضمین‌هایی برای حفظ هویت و موجودیت مستقل به عنوان یک «اقلیت رسمی» که بریتانیا قبلاً در مورد آن با جامعه‌ی‌ملل به‌توافق رسیده بود، داده‌شد (میلتون‌ادوارد و هینچ‌کلیف، ۱۳۹۰: ۹۸). این تعهدات، با وجود کارشکنی دولت بریتانیا که قول استقلال را به کردها داده بود، مورد اعتنای آنها قرار نگرفت و زمینه را برای ظهور و تحکیم جنبش ملی‌گرای کردی در عراق فراهم نمود (کوچرا، ۱۳۷۷).

در پی مرگ شاه فیصل، حکومت عراق دچار چنددستگی و عدم انسجام در سطح رهبری

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

شد. کردها نیز توانسته‌بودند انسجام و رهبری نیرومندی را در درون خود برای نیل به آرمان‌هایشان شکل دهند. این جنبش در قالب آگاهی‌های ناسیونالیستی به‌رهبری ملأ مصطفی بارزانی در برابر رژیم عراق شکل گرفت. پس‌از روی‌کار آمدن صدام حسین، کردهای عراق بهای سنگینی برای مخالفت با رژیم و اتحاد با ایران پرداختند که در سال‌های ۱۹۷٤ و ۱۹۷۵، به شکست گروه پیشمرگ‌های کرد تحت رهبری بارزانی منتهی گردید. اما چهره‌ی واقعی خشن و سبعانه‌ی رژیم عراق خود را در آخرین روزهای جنگ با ایران در سال ۱۹۸۸ نشان داد و از کردها به‌خاطر اتحاد نظامی با دشمن دیرینه‌ی خود (ایران)، انتقام سختی گرفت (میلتون‌ادوارد و هینچ‌کلیف، ۱۳۹۰: ۱۰۰– ۹۹). این انتقام در قالب عملیات‌هایی نه‌گانه برای نابودی بخشی از جامعه‌ی کردی و در قالب انفال و شیمیایی حلبچه انجام شد (کلی، ۱۳۹۰: ۳۷– ۲۵). در کنار این و در دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ حکومت عراق تحت رهبری حزب بعث تعریب مناطق کردنشین در کرکوک و سنجار و شیخان و زاخو را تشدید نمود (کوچرا، ۱۳۷۷، ٤۳٤). سیاستی که به اعتقاد کردهای عراق، سبب رانده شدن بیش از نیم میلیون کرد، از خانه و کاشانه‌ی خود و جایگزین شدن اعراب سنی دیگر مناطق به جای آنان در کردستان شد (رستمی و سفیدی، ۱۳۹۵: ۸۹) پدیده‌ی تعریب خود به پیچیده‌شدن وضعیت کرکوک منتهی شد که عواقب آن تا به امروز هم باقی است و به تنش میان نیروهای سیاسی و اجتماعی در این استان منجر شده است.

ب) تلاش برای خودمختاری؛ کردهای عراق از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳

در ساعات اولیه صبح ۲ آگوست ۱۹۹۱، حدود یک‌صدهزار سرباز عراقی که در نزدیکی مرزهای کویت مستقر بودند، به‌سمت جنوب به‌حرکت درآمدند و ظرف چند ساعت این شیخ‌نشین کوچک و پایتخت آن را اشغال کردند. کویت یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان بود و همین امر سبب‌شد «نیروهای متحدین» که با شتاب شکل‌گرفته بودند، با قاطعیت بیشتری برای آزادسازی این شیخ‌نشین کوچک عمل کنند. در نهایت، ائتلافی که آمریکا آن را رهبری می‌کرد، متشکل از ۳٦ کشور بود به مقابله با عراق پرداختند. پایان جنگ باعث شد صدام با یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها فراروی حکومت خود، البته نه از سوی فرماندهان نظامی بلکه از طرف دو اقلیت مذهبی و قومی شیعیان در جنوب و کردها در شمال عراق، روبه‌رو شود. به محض پایان جنگ و نزول اقتدار مرکزی به پایین‌ترین سطح، آن‌ها

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اوضاع را برای شورش علیه صدام مناسب دیدند (کامروا، ۱۳۹۱: ۲۲۱ـ ۲۲۶). آن‌ها مترصد بودند تا با استفاده از ضعف حکومت مرکزی، مطالبات محلی خود را پیگری نمایند، اما نتیجه خلاف انتظارشان بود.

در اوایل ماه مارس ۱۹۹۱، نیروهای بازسازماندهی‌شده‌ی عراق تهاجم گسترده و وحشیانه‌ای را برای در اختیار گرفتن کنترل مجدد جنوب آغاز کردند. رهبر عراق سپس توجه خود را به‌سمت شمال معطوف کرد. تا آخر ماه بیشتر مناطق شمالی بازپس‌گرفته شد، اما این کار پس از کشته شدن حدود ۱۰۰ هزار نفر از کردها و شیعیان صورت گرفت. آمریکا و انگلیس ایجاد «منطقه‌ی امن» را برای کردها و شیعیان در شمال و جنوب عراق اعلام کردند. به این ترتیب، نوعی تجزیه‌ی عراق به اجرا درآمد و کنترل بخش‌هایی از کشور از دست دولت خارج شد(کامروا، ۱۳۹۱: ۲۳۰ـ۲۲۹). منطقه‌ی امن چندان مورد اعتماد کردها، خصوصاً جلال طالبانی، رهبر اتحادیه‌ی میهنی نبود، چرا که به حمایت ائتلاف به رهبری آمریکا از کردها چندان باوری نبود (مک‌داول، ۱۳۸٦).

کردها از ابتدای ۱۹۹۰ به تدریج حکومت منطقه‌ای، پارلمان و نهادهای مدنی را ایجاد کردند. تشکیل نهادهای جدید و مدنی و حکمرانی دموکراتیک در این دوران به دغدغه‌ی رهبران کرد عراقی بدل شده بود (Invest In Group, 2013: 24). از آوریل ۱۹۹۱، دولت دوفاکتوی کردستان به شکلی خودمختار در حال اجرای امور خود بوده است، که تا ۲۰۰۳ نیز این خودمختاری در کردستان عراق ادامه داشته است. دانشگاه‌های باز شدند، ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی دایرشده، انتخابات شهری و پارلمانی برگزار شده، پلیس و نیروهای امنیتی به وجود آمده‌اند، بانک مرکزی تأسیس شده و پایتختی نیز وجود دارد (آلیس، ۱۳۸۷: ۲۱۲). اما پس از ۲۰۰۳ و مداخله‌ی آمریکا در این کشور، با استقرار سیستم فدرال در عراق، روند مدیریت کردها بر مناطق‌شان به شکل کلی دگرگون شد.

ج) فدرالیسم و ایجاد حکومت اقلیم کردستان عراق

پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده سیاست خود در قبال تروریسم را از سیاست دفاع به سیاست پیشگیری‌فعال تبدیل کرد. رئیس‌جمهور وقت، بوش پسر، اعلام کرد که دولت او تروریست‌ها را هر کجا باشند گرفتار و دولت‌های حامی و پناه‌دهنده به آنان را ساقط خواهد کرد. این سیاست گسترده‌تر هم شد، یعنی بوش دولت‌های را هم که از نظر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

وی در جست‌وجوی سلاح‌های کشتار جمعی بودند، هدف قرار داد (کلی، ۱۳۹۰: ۵۵). با این وضعیت، مقدمات جنگ علیه صدام در حال تدارک بود، کردها هم خود را برای انتقام تاریخی از صدام آماده می‌کردند.

در سپتامبر ۲۰۰۲، روشن شد که دولت ایالات متحده برنامه‌ریزی‌ای برای تهاجم به عراق دارد. در ۱۷ مارس ۲۰۰۳، سفیر بریتانیا به ایالات متحده گفت که روند دیپلماتیک در عراق به پایان رسیده است. در نتیجه، جرج بوش به صدام حسین و پسرش ٤٨ ساعت فرصت داد تا عراق را ترک کنند یا با جنگ روبه‌رو شوند. در ۱۹ مارس ۲۰۰۳، تهاجم به عراق؛ زمانی که ایالات متحده عملیات آزادسازی عراق را به راه انداخت، شروع شد (Anlar, 2006: 61-62). در ۲۰ مارس ۲۰۰۳، ساعت ۳:۱۵ به وقت گرینویچ، پرزیدنت بوش در نطقی خطاب به ملت آمریکا اعلام کرد که «در این ساعت، نیروهای آمریکایی و ائتلاف در مراحل اولیه‌ی عملیات نظامی هستند تا عراق را خلع‌سلاح کنند، تا مردمش را آزاد کنند و جهان را در برابر خطر عظیمی محافظت نمایند.» (یلدیز، ۱۳۹۱: ۱۹۷) عملیات‌های زیادی علیه صدام انجام شد. در ۹ آوریل، بغداد سقوط کرد و نیروهای تحت رهبری ایالات متحده وارد دو کاخ ریاست‌جمهوری شدند (Anlar, 2006: 61-62). حمله‌ی آمریکا و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، نظم سیاست قبلی را به‌هم‌ریخت و دوران جدید بی‌اطمینانی را برای آینده عراق به‌همراه داشت (انتصار، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

پس از جنگ و شروع روند تقسیم قدرت در عراق، دو حزب کردی، تحت لوای یک فهرست ائتلافی، دورهم گرد آمدند و یک دولت منطقه‌ای متحد در کردستان تشکیل دادند. بدین‌سان، آن‌ها رهبر حزب دموکرات کردستان، مسعود بارزانی را به‌عنوان رئیس دولت خودمختار کردستان عراق منصوب کردند و جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان را به بغداد فرستادند تا منصب ریاست‌جمهوری دولت نوپای عراق را در اختیار گیرد (کلی، ۱۳۹۰: ۵۲). کابینه‌ی مشترک داخلی در اقلیم و نیز ارائه‌ی فهرست مشترک انتخاباتی برای پارلمان عراق، حاصل این دوران از مشارکت کردها است. هر چند سقوط رژیم بعث نویدبخش پایان جنگ و خونریزی در عراق بود و امید می‌رفت کشور عراق به عنوان نمونه‌ای موفق از دمکراسی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان جمعیت‌های هویتی مختلف در خاورمیانه عرضه شود؛ اما با گذشت زمان نه‌تنها این آمال تحقق پیدا نکرد، بلکه دور جدیدی از منازعات بر کشور عراق سایه‌انداخت. روند اختلافات و تنش‌های سیاسی میان جناح‌های سیاسی عراق از

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

سال ۲۰۱۱ (سلیمی و زرین‌نرگس، ۱۳۹۳) به این سو، باعث تشدید تنش‌ها در داخل عراق شد و با بهره‌گیری کردها از بحران جهت کنارزدن دولت مرکزی برای پیگیری آمال‌شان همراه شد.

۳ـ ظهور داعش و دگردیسی در رفتار کردها در سوریه و عراق

سال ۲۰۱۳ به این سو، نقطه‌عطفی در تاریخ معاصر کردها به شمار می‌آید، چرا که به‌واسطه‌ی تحولات ناشی از ظهور و قدرت‌گیری داعش، یک کنش‌گر فروملی هویت‌جو (کردها) در عراق و سوریه از بی‌سابقه‌ترین منافع مشترک برخوردار گردیدند، به‌گونه‌ای که هر دو طرف بقای خود را در مقابله با داعش و نیز پیگیری اهدافی که ظهور این نیرو به بار آورده، یافتند. همین امر نیز به نوبه خود زمینه را برای دگردیسی در رفتار کردها ایجاد نمود.

۳ـ۱. سوریه

اگرچه مبارزه‌جویی جنبش کردی در سوریه از مدت‌ها پیش برای نیل به آرمان‌های خود از هر بحرانی بهره می‌برد، اما هیچ بحرانی به اندازه‌ی خیزش‌های عربی سال ۲۰۱۱ برای کردها امیدبخش نبوده است، چرا که از دل آن نیرویی به نام داعش شکل گرفت که زمینه را برای دگردیسی بنیادین در وضعیت کردها در این کشور فراهم نمود. از این دوران بود که کردها تحرکات سیاسی و نظامی خود را در سوریه سرعت بخشیدند.

با شروع تحولات داخلی سوریه کردها در قالب دو نیروی نظامی اصلیِ یگان‌های مدافع خلق[1] و یگان‌های مدافع زنان[2]، ذیل نیروی سیاسی حزب اتحاد دموکراتیک[3]، به تدارک نظامی و سیاسی پرداخته و در سال ۲۰۱۲ موفق به ایجاد منطقه‌ای خودگردان تحت‌کنترل خود شدند. محدوده موردنظر کردها برای ایجاد منطقه خودمختار از روستای عین‌دیوار که در محدوده شهر دیرک یا مالکیه، یکی از شهرهای استان حسکه، شروع می‌شود و هم‌جوار با مرزهای ترکیه به‌سمت غرب در نزدیک اسکندرون ختم می‌شود (سلیمی و ولدبیگی، ۱۳۹٤)، که در قالب سه کانتون منفصل عفرین، کوبانی و جزیره تحت تجربه‌ای به نام کنفدرالیسم دموکراتیک[4] و با عنوان روژآوا، معروف گردید. هم‌زمان با اوج‌گیری بحران و تشدید جنگ داخلی در سوریه،

1. People's Protection Units or Yekîneyên Parastina Gel (YPG)
2. Women's Defence Forces or Yekîneyên Parastina Jin (YPJ)
3. Democratic Union Party or Partiya Yekîtiya Demokrat, PYD
4. Democratic Confederalism

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

بشار اسد که خود را در برابر چندین نیروی مخالف می‌دید، در تابستان ۲۰۱۲ تصمیم‌گرفت نیروهای خود را از مناطق کردنشین بیرون کشیده، تا جایگاه خود را در سنگرهای استراتژیک، مستحکم نماید (Bosearslan, 2014: 33)، این عامل به کردها فرصت لازم را برای تدارک خواسته‌های کردها، جهت تحکیم جایگاه خود داد، و هم‌زمان زمینه را برای اندیشدین به آرزوی دیرینه‌ی آنها؛ یعنی تلاش برای اتصال سه کانتون به هم‌دیگر فراهم نمود.

با آغاز نبرد میان نیروهای یگان‌های مدافع خلق و جبهه‌النصره یا جبهه‌ی فتح الشام (که در آن زمان با داعش همکاری می‌نمود) در سال ۲۰۱۳، کردستان سوریه نیز به یکی از اصلی‌ترین مناطق صحنه‌ی خشونت پس از سال ۲۰۱۰ مبدل گردید (Bosearslan, 2014: 32)، که کردها را با اولین آزمون حیاتی جهت دفاع از مناطق‌شان مواجه نمود. دفع تهدید النصره، آغاز جنگی بزرگ‌تر در سال بعد بود؛ زمانی که حرکت کردها به سمت تحکیم موقعیت‌شان شتاب گرفت، نیروهای داعش، حملات نظامی خود علیه کردهای سوریه را آغاز کردند. بخش عمده‌ای از این درگیری‌ها در کانتون کوبانی صورت گرفت، که برای ٤ ماه به محاصره نیروهای دولت اسلامی درآمد. کردها به مرور توانستند داعش را به عقب برانند و این نیرو را از بخش‌های مهمی از سوریه به عقب برانند (Sabio, 2015).

پس از شکستن محاصره کوبانی و شروع پیشروی‌های کردها، آن‌ها برای جلب حمایت بین‌المللی و نیز افزایش مشروعیت خود، زمینه را برای اتحاد میان خود و دیگر نیروهای نظامی فراهم نمودند، این اتحاد به نیروهای سوریه دموکراتیک[1] معروف شد. نیروهای سوریه دموکراتیک، حاصل اتحاد میان کردها و اعراب سنی، آشوری‌ها، ترکمان‌ها و ارمنیان است که در اصل یک نیروی پیشرو در تحولات سوریه است و تحت کنترل کردها قرار داد و در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۵ تشکیل شده است (Lund, Jan. 22, 2016). این نیرو با کسب حمایت ائتلاف بین‌المللی ضد داعش ، توانست به پیشروی‌های موفقی در سوریه بپردازد و با عقب‌راندن داعش به آزادسازی شهر استراتژیک منبج در ۱۲ آگِست ۲۰۱٦ پرداخته و در تلاش است تا در نهایت دو کانتون عفرین و جزیره را به هم متصل نماید و کردستان سوریه فدرال را در قالب سه کانتون به هم‌دیگر پیوند دهد (عمار گلی، nnsroj.com, August 13, 2016: 90748) که با ورود مستقیم ترکیه به بحران سوریه، با حمله‌ی نیروهای تحت حمایت این کشور به جرابلس، آرزوی کردها برای اتصال این سه کانتون با تهدید جدی مواجه شده است. نیروهای

1. Syrian Democratic Forces (SDF)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

سوریه دموکراتیک تا ژوئن ۲۰۱۷، در قالب عملیات خشم فرات، ٤ مرحله از عملیات را برای محاصره و بازپس‌گیری رقه، به عنوان خلافت دوفاکتوری داعش به انجام رسانده‌اند (nrttv.com, 15/04/2017: 68545). این نیرو در شرایط فعلی رقه را به محاصره در آورده است و در مرحله‌ی چهارم عملیات درصدد است تا این شهر را بازپس‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که کردها با ظهور داعش و در سال‌های پس از ۲۰۱۳، چند اقدام اساسی را انجام دادند، نخست تدارک فضای سیاسی برای عملیاتی نمودن طرح کنفدرالیسم دموکراتیک در کردستان سوریه، یا به عبارت بهتر سه کانتون تحت مدیریت کردها (عمرانی، ١٣٩٤). دوم، شکست داعش در کوبانی با وجود محاصره‌ی این شهر از سوی این نیروها و جلب حمایت بین‌المللی و منطقه‌ای نسبت به خود (Sabio, 2015). سوم، بدل‌شدن نیروهای سوریه‌ی دموکراتیک به نیرویی کارآمد در مبارزه با داعش در سوریه.

۳ـ۲. عراق

از همان ابتدای شروع پیش‌روی‌های گروه تروریستی داعش در عراق، این کشور با بزرگ‌ترین چالش‌های یک دهه‌ی اخیر خود، که تمامیت ارضی و جان شهروندان و حتی حاکمیت کشور را تهدید می‌نمود، مواجه شد. جنگ‌جویان داعش با گذر از مرزهای سوریه، کنترل موصل، دومین شهر بزرگ عراق را در ۱۰ ژوئن ۲۰۱٤ به‌دست گرفتند. در ماه آگوست همین سال، داعش آماده‌ی حمله به کردستان عراق شد، مخمور را تصرف کرد و اربیل را هدف تهدید خود قرار داد. ایالات متحده با حملات هوایی اربیل را وارد ماجرا شد و سلاح‌هایی برای پیشمرگ‌ها تدارک دید (Phillips, 2015: 4). اما نقش کلیدی را باید در حمایت به‌موقع نظامی و تدارکاتی جمهوری اسلامی ایران از اربیل دانست. در نتیجه رهبران اقلیم کردستان عراق نیز نقش تصمیم‌سازان تهران را به‌واسطه‌ی ارائه‌ی تجهیزات نظامی به نیروهای پیشمرگه ستایش کرده‌اند (Katzman and Humud, 2015: 34- 35). در این میان، داعش به بهانه‌ای برای کردها در عراق بدل شد تا به‌واسطه‌ی آن بتوانند آمال خود را پی‌گیری کنند.

نخست؛ مساله‌ی کرکوک و مناطق منازعه در اصل ۱۴۰

به لحاظ تاریخی، بخش‌های متعددی از عراق که روزگاری توسط یک گروه اداره می‌شدند، امروز جمعیت مختلطی دارند یا توسط گروه دیگری کنترل می‌شوند. مثلاً کردها ادعا می‌کنند که شهر کرکوک پایتخت آن‌ها محسوب می‌شود؛ شهری که قبلاً تحت نظر کردها بود اما رژیم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

صدام اعراب زیادی را برای اسکان به آنجا فرستاد (بایمن، ۱۳۸۷: ۱٦٦-۱٦٥). به‌همین دلیل، حاکمیت سیاسی بر کرکوک را می‌توان مهم‌ترین مسئله موجود میان نیروهای سیاسی عراق، در طول نیم‌قرن اخیر دانست. پس از کشف نفت در حوالی کرکوک در سال ۱۹۲۷ این استان همواره مورد منازعه نیروهای سیاسی عراقی و قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله دولت‌های بریتانیا و ترکیه بوده است؛ اما آن‌چه امروزه کرکوک را به عنوان مسأله‌ای جدی در عراق بعد از ۲۰۰۳، مطرح کرده است مفاد ماده ۱٤۰ قانون اساسی عراق می‌باشد (Nasri & Salimi, Winter 2013, 78- 79). به‌طور کلی، ماده ۱٤۰ و مسائل پیرامون آن بنیادی‌ترین عامل اختلاف بین حکومت اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق بوده است.

هم‌زمان با تهاجم داعش به عراق، در همان روزهای ابتدایی، کردها سودای جدایی و استقلال‌خواهی را سردادند. در این زمان که مرزهای اقلیم کردستان و کرکوک مورد تهدید داعش قرار گرفته بود، کردها با استفاده از عقب‌نشینی نیروهای عراقی، نیروهای پیشمرگ را به سرحدات مرزی مناطق منازعه، خصوصاً در کرکوک انتقال داده و این منطقه را به شکل یک‌طرفه و با نادیده‌گرفتن قانون اساسی عراق به کنترل خود درآودند. این رفتار کردها از سوی حکومت مرکزی به شدت محکوم شده و به نقطه‌ی اصلی تنش و نگرانی بغداد با اقلیم بدل شده است (سلیمی و زرین‌نرگس، ۱۳۹۳: ۲۷٦). حضور نظامی داعش و پیشروی کردها تا آخرین سرحدات مناطق منازعه، بدون تهدید نیرویی مانند داعش، امکان‌پذیر نبود.

کردها که از کارت داعش برای چانه‌زنی با بغداد بهره می‌بردند، کرکوک را با نیروهای نظامی پیشمرگه حفظ نموده و مقدمات الحاق یک‌جانبه‌ی کرکوک به اقلیم را در ظاهر تدارک دیده‌اند. در این مسیر ابتدا کردها در انجمن استان‌داری کرکوک و با بهره‌مندی از شمار نمایندگان کرد در این انجمن، مساله برافراشتن پرچم کردستان در کنار پرچم عراق برفراز ساختمان‌های اداری کرکوک را در اوایل آوریل ۲۰۱۷، با وجود مخالفت نمایندگان عرب و ترکمان به شکل یک‌طرفه به انجمن استانداری تحمیل نموده و در مرحله‌ی بعد نیز ائتلافی متشکل از حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی و اتحادیه‌ی میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی تشکیل دادند که در تلاش است اقلیم را برای رفراندوم در ماه نوامبر سال ۲۰۱۷، برای آگاهی از نظر عموم در مورد استقلال از عراق آماده کند، این رفراندوم شامل استان کرکوک نیز می‌شود (nrttv.com, 13/04/2017: 68431). بنابراین با این اقدام و استفاده از ضعف حکومت مرکزی عراق، در زمانی که ارتش و دولت درگیر مبارزه با داعش

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در موصل است، کردها به اقدامی فراقانونی در مبارزه و تشدید تنش‌ها با بغداد دست زدند.

دوم؛ ادعای استقلال خواهی

اقلیم مدعی است که مسیر نهایی عراق به سوی فروپاشی است و از دل آن کشور کردستان زاده خواهد شد. در مصاحبه‌ی ۲۲ ژانویه‌ی ۲۰۱٦ رئیس اقلیم کردستان عراق با روزنامه‌ی گاردین، وی «از رهبران جهانی خواست تا بپذیرند پیمان سایکس ـ پیکو، که منجر به شکل‌گیری مرزهای مدرن خاورمیانه شد، شکست خورده است». بارزانی از این قدرت‌های می‌خواهد «تا بر سر پیمانی جدید توافق کنند که راه را برای یک دولت کرد هموار می‌کند» (The Guardian, 2016/01/22). در وضعیت ناکامی دولت در عراق، با عدم شکل‌گیری یک هویت ملی عراقی و نبود تشکلات نخبگی ملی، باعث شده که کردها با دامن‌زدن به تمایلات منطقه‌ای و محلی خود، درصدد استفاده از ناکامیابی دولت در عراق برای برآوردن تمایلات خود به استقلال باشند (طالبی‌آرانی و زرین‌نرگس، ۱۳۹۵).

استقلال‌خواهی، همواره یکی از داعیه‌های جنبش ملی کرد در عراق بوده است و عمری به درازای یک سده دارد. این جنبش در عراق از قیام شیخ محمود برزنجی شروع شد و تا به امروز نیز ادامه دارد (کوچرا، ۱۳۷۷). استقلال خواهی که به عنوان یکی دیگر از دگردیسی‌های ناشی از ظهور داعش بر وضعیت کردها مطرح‌شده است را می‌توان به عنوان مرحله‌ای نوین و تا حدودی عملیاتی بر یک قرن استقلال‌خواهی جنبش کردی در عراق قلمداد نمود.

در همین راستا، ۳ جولای ۲۰۱٤، رئیس حکومت اقلیم کردستان عراق، مسعود بارزانی، از پارلمان اقلیم خواست تا به آماده‌سازی مقدمات رفراندوم در مورد استقلال کردستان از عراق اقدام نماید، و در ۷ جولای متعاقباً اعلام نمود که «هدف استقلال کردستان است» و تحولات کنونی عراق و ناکارآمدی دولت فدرال و بغداد این وضعیت را انتقال می‌دهند (Bonfield, 2014: 1). این تقاضا بار دیگر از سوی مسعود بارزانی و در تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۱۵ تکرار شد، و از حزب دموکرات کردستان عراق، و دیگر احزاب کرد خواست تا مقدمات را برای انجام رفراندوم استقلال در سال ۲۰۱٦ آماده کنند (nrttv.com, 2015/12/21: 23617 and rudaw.net, 24/6/2016). اما این آرمان با پایان سال ۲۰۱٦، به شکل حرف باقی ماند تا این‌که بارزانی سال ۲۰۱۷ را به عنوان سال سرنوشت‌ساز اقلیم کردستان عراق قلمداد نمود و در این سال دو حزب اتحادیه‌ی میهنی به رهبری طالبانی و حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

بارزانی، یک کمیته‌ی مشترک تشکیل دادند و در تلاش‌اند تا در فضای داخلی و به شکل دیپلماسی سازشی با بغداد و نیز جلب نظر همسایگان، خصوصاً ایران و ترکیه، در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۷، رفراندوم اولیه را انجام دهند.

اما این اقدام به جای آنکه از کانال پارلمان پیش رود، به شکل سیاسی و میان دو حزب اصلی دموکرات و اتحادیه‌ی میهنی در حال پیش‌روی است، چرا که پارلمان به شکلی غیرقانونی و به‌واسطه‌ی تنش میان حزب تغییر (گوران) و حزب دموکرات به حالت تعلیق درآمده است. در کنار این مطالبه، اقلیم کردستان عراق درگیر چندین منازعه‌ی داخلی است. بحران در سیستم سیاسی این منطقه، از سویی با منازعه‌ی بر سر منصب ریاست اقلیم کردستان که شکلی سیاسی و غیرقانونی برای ٤ سال تمدید شده و از سویی دیگر، با موج جدید اعتراضات تنش آفرین و تحولاتی همانند عزل وزرای گوران از حکومت ائتلافی در سال ۲۰۱٤ ارتباط دارد. با وجود درگیربودن نیروهای پیشمرگ کرد در نبرد با داعش، اکنون در مرزهای داخلی اقلیم کردستان عراق، شاهد افزایش تنش‌های داخلی میان جریانهای اصلی قدرت سیاسی و نیز بحران شدید مالی هستیم. در کنار این پارلمان اقلیم برای مدت نزدیک به دو سال است که به حالت تعطیل درآمده و تنش میان احزاب اقلیم، خصوصاً گوران و دموکرات به اوج رسیده است و مساله‌ی رفراندوم و استقلال به ابزاری برای قدرت‌نمایی جریان‌های مختلف در اقلیم بدل شده است. در نهایت می‌توان گفت که در کنار فرصت‌هایی که ظهور داعش به کردها عرضه نموده، تنش‌های درونی و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این منطقه به عاملی برای تشدید منازعه‌ی داخلی بدل شده است.

۴ـ منافع جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات ظهور داعش در ارتباط با کردها

الف) ظهور داعش، زمینه‌ای برای همبستگی ملی؛ با ظهور داعش، خاورمیانه خود را با افراطی‌ترین شکل رادیکالیسم مواجه دید، که درصدد بود تا با استفاده از خلأ قدرت در کشورهای شکننده و ناکامیاب همسایه‌ی ایران؛ من‌جمله سوریه و عراق، خلافت اسلامی خود را، با استفاده از خشونت عریان در مناطق منازعه و امنیت گورستانی در مناطق تحت‌سیطره تثبیت نماید. به‌همین واسطه در پیرامون ایران، از افغانستان تا ترکیه، سوریه، عراق، عربستان و یمن درگیر جنگ و تروریسم و بمب‌گذاری بودند. تمام این تهدیدات در فضای داخلی کشور، زمینه را برای همبستگی ملی میان نیروهای مختلف از سیاسی، اجتماعی و قومی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مذهبی فراهم نمود، چراکه در خاورمیانه‌ی بحرانی، ایران به جزیره‌ی امن بدل‌شده بود و همگان برای حفظ این هم‌بستگی و امنیت تلاش می‌کردند. در این میان، با حمله‌ی داعش به مناطق کردنشین در سوریه و عراق، دولت ایران وارد عمل‌شده و با ارسال سلاح و مشاوران نظامی از سقوط پایتخت اقلیم کردستان عراق جلوگیری نمود، که نفس این اقدام زمینه را برای هم‌بستگی کردهای ایران با حکومت مرکزی فراهم نمود.

ب) پیامدهای منطقه‌ای ظهور داعش برای ایران؛ جمهوری اسلامی ایران با باور به حفظ تمامیت‌ارضی و یک‌پارچگی سرزمینی کشورهای خاورمیانه و خصوصاً همسایگان خود، مادامی که عراق و سوریه را درگیر در جنگی خونین و محلی برای پیشروی داعش دید، وارد عمل شد و با استفاده از ارسال سلاح و حمایت لجستیکی و مشاوره‌ای از حکومت‌های مرکزی آنها زمینه را برای مبارزه با داعش فراهم نمود. تدارک نیروهای حشدشعبی در عراق و حمایت از دولت بشار اسد در سوریه برای مبارزه با داعش در کنار ارسال سلاح به اقلیم کردستان عراق برای جلوگیری از سقوط کامل مخمور و ممانعت از رسیدن داعش به اربیل، نشان از قدرت و بازیگری منطقه‌ای ایران دارد. ایران به خوبی از اشتراکات فرهنگی و تاریخی مشترک خود با کردها در عراق و سوریه آگاه است و می‌داند که هرگونه تحول در این مناطق، می‌تواند زمینه را برای ایجاد دو هم‌پیمان استراتژیک در عراق و سوریه برای کشور فراهم نماید.

ج) ظهور داعش و بین‌المللی‌شدن نقش ایران در مبارزه با تروریسم؛ ایران برای سال‌ها خود را قربانی تروریسم دانسته و مبارزه با تروریسم را یکی از اهداف خود تعریف کرده است. با بارزشدن نقش کشور به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در مقابله با تروریسم، قدرت‌های بزرگ در سطح بین‌المللی نیز بر جایگاه ایران آگاه‌شده و به ایران به‌مثابه‌ی یکی از کلیدهای حل بحران‌های منطقه‌ای و نیز نیرویی جدی در مقابله با داعش می‌نگرند. تشکیل نشست امنیتی مونیخ در تهران به سال ۱۳۹٤ و حضور در گفت‌وگوهای ژنو و آستانه، پیرامون حل بحران سوریه، تاکید بر جایگاه بین‌الملل ایران در مبارزه با تروریسم و تلاش برای پایان بحران‌های منطقه‌ای است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نتیجه‌گیری

ظهور داعش در فضای بحرانی عراق و سوریه و تحول در وضعیت کردهای این دو کشور را با عنایت به آنچه در مقدمه، فرضیه و در طول این نوشتار مورد مداقه قرار گرفت، می‌بایست در وضعیت بحران ـ فرصت دید. بدین معنا که کردها با بهره‌گیری از فضای بحرانی در طول تاریخ تحولات سیاسی ـ اجتماعی خود، زمینه را برای بدل نمودن تهدید به فرصت مهیا دیده و چون بازیگری نوین در عرصه‌ی تحولات داخلی عراق و سوریه به کنش و پویش سیاسی ـ نظامی دست زده‌اند. در همین راستا، با تحولات پس از ۲۰۱۱ در سوریه و خصوصاً با ظهور داعش در این کشور و نیز همزمان گسترش این نیرو به عراق، کردها با درک بحران، درصدد فرصت‌سازی برای پیگیری آمال خود برآمده‌اند. در سوریه این فرصت‌سازی با ایجاد منطقه‌ی شبهه خودگردان ذیل مدیریت دموکراتیک، ایجاد نیروهای سوریه دموکراتیک جهت مبارزه با داعش و جلب توجه بین‌المللی همراه بوده و در عراق نیز کردها با عنایت به وضعیت آشوب و بحرانی ظهور داعش، در وهله‌ی نخست به سوی مناطق منازعه لشکرکشی نموده و آنها را به شکل یک‌طرفه به کنترل درآورده و در وهله‌ی دوم نیز زمینه را برای برگزاری رفراندوم و نیز پیگیری مطالبه‌ی استقلال‌خواهی در وضعیت متشنج عراق و به دور از چشمان حکومت مرکزی که درگیر مبارزه با داعش است، فراهم دیده‌اند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منابع

فارسی

انتصار، نادر (۱۳۹۰). *سیاست کردها در خاورمیانه*، مترجم *عرفان قانعی‌فرد*، چاپ نخست، تهران، نشر علم.

بایمن، دانیل (۱۳۸۷). «ایجاد عراقی دموکراتیک: چالش‌ها و فرصت‌ها»، در *کتاب سامان سیاسی در عراق جدید*، به کوشش امیر محمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد، چاپ نخست، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

تزل، ژوردی (۱۳۹۵). *کردهای سوریه: تاریخ، سیاست و جامعه*، مترجم آزاد حاجی آقایی، تهران: انتشارات رامان سخن.

تودنهوفر، یورگن (۱۳۹٤). *ده روز با داعش؛ از درون دولت اسلامی*، مترجمان علی عبداللهی و زهرا معین‌الدینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کوله‌پشتی.

حاتمی، محمدرضا (۱۳۹٤). «کارویژه‌ی تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۵، ش ٤، زمستان ۹٤، صص ۲۷ـ ۵۰.

رستمی، فرزاد، سفیدی، سیامک (۱۳۹۵). «بررسی علل ظهور و استمرار معمای امنیت در عراق پس از صدام» *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ٦، ش ۱، بهار ۹۵، صص ۸۳ ـ ۱۱۱.

رنجبر، مقصود، صیاد، محمدرضا (۱۳۹۲). «ستیز دولت و بنیادگرایی اسلامی، و تأثیر آن بر توسعه در خاورمیانه» *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۳، پاییز ۹۲، صص ۸۳ ـ ۱۰۳.

سلیمی، آرمان و زرین‌نرگس، یحیی (۱۳۹۳). «محورهای منازعه‌ی سیاسی و امنیتی حکومت اقلیم کردستان با حکومت مرکزی عراق در سال‌های بعد از ۲۰۰۳»، *فصلنامه فرهنگی، ادبی، اجتماعی زریبار*، دوره‌ی جدید ۳۲ و ۳۳، شماره‌ی ۸۵ و ۸٦.

سلیمی، آرمان و ولدبیگی، آرام (۲۰/۰۸/۱۳۹٤). «توسعه توان نظامی کردهای سوریه و دغدغه‌های ترکیه برای ایجاد منطقه امن»، *روزنامه‌ی دنگی کوردستان*، س ۱، ش ۱.

صالحی، سید جواد و مرادی نیاز، فاتح (بهار ۱۳۹٤). «پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلیتیک خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۵، ش ۱، بهار ۱۳۹٤، صص ۱۰۳ ـ ۱۲۷.

طالبی آرانی، روح‌الله و زرین‌نرگس، یحیی (۱۳۹۵). «بررسی چرایی ماندگاری بحرانهای منطقه‌ایِ غرب آسیا: مطالعه موردی سوریه پس از ۲۰۱۰» *همایش بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام*، ۲٤ و ۲۵ آبان‌ماه، دانشگاه شهید بهشتی.

طالبی آرانی، روح‌الله و زرین‌نرگس، یحیی (۱۳۹۵). «بین‌المللی‌شدن دولت در غرب آسیا: مطالعه‌ی موردی عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱٦»، *همایش بین‌المللی نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا*، کنفرانس امنیتی تهران.

عجم اوغلو، دارون و رابینسون، جیمز ای (۱۳۹٤). *چرا ملت‌های شکست می‌خورند: ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر*، مترجمین محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه.

عطوان، عبدالباری (۱۳۹۵). *تولد اهریمن: عوامل پیدایش دولت اسلامی عراق و شام*، ترجمه‌ی فاروق

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نجم‌الدین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
علی، بختیار (۱۳۹٤). «داعش، ماشین فاشیستی»، در *کتاب داعش؛ خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی*، مترجم سردار محمدی، تهران: نشر مرکز.
عمرانی، زانیار (۱۳۹٤). «درآمدی بر ساختار سیاسی و اجتماعی خودگردانی دموکراتیک در روژاوا»، قابل دسترسی در سایت:
http://www.kare-online.com/index.php/article/article-a-suite/did-gah/4363-2015-07-15-10-09-45
فیلدهاوس، دیوید (۱۳۹۵). *کردها، عرب‌ها و انگلیسی‌ها*، ترجمه‌ی حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
کامروا، مهران (چاپ دوم ۱۳۹۱). *خاورمیانه معاصر: تاریخ سیاسی پس از جنگ جهانی اول*، مترجمین دکتر محمدباقر قالیباف و سید محمد پور موسوی، چاپ نخست، تهران: نشر قومس.
کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۵). «سلفی‌گرایی جهادی ـ تکفیری و آینده‌ی ثبات سیاسی در خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ٦، ش ۱، بهار ۹۵، صص ۱۱۳ـ ۱٤۲.
کریمی‌مله، علی و گرشاسبی، رضا (بهار ۱۳۹٤). «بررسی چرایی پیوستن جنگ‌جویان خارجی به داعش» *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۵ ، ش ۱، بهار ۹٤، صص ۱۵۵ ـ ۱۷۹.
کلی، جی. مایکل (۱۳۹۰). *نسل‌کشی در کردستان عراق*، مترجم سربس نظری، چاپ نخست، تهران: انتشارات امیرکبیر.
کوچرا، کریس (۱۳۷۷). *جنبش ملی کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: موسسه انتشارات نگاه، چاپ دوم.
لویزار، پی‌یرژان (۱۳۹٦). *در دام داعش*، ترجمه ویدا سامعی، تهران: نشر نو.
مک‌داول، دیوید (۱۳۸٦). *تاریخ معاصر کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانیذ، چاپ سوم.
میرزا زاده، فرامرز (تابستان ۱۳۹٤). «نشانه‌شناسی موج سوم خلافت‌خواهی: مبادی و پیامدها» *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۵، ش ۲، تابستان ۹٤، صص ۲۹ ـ ۵۱.
میلتون ادوارد، مولی و هینچ کلیف، پیتر (۱۳۹۰)، *بحران در خاورمیانه*، مترجم شهرزاد رستگار شریعت‌پناه، چاپ نخست، تهران، نشر قومس، چاپ دوم.
میلر، بنیامین (۱۳۸۵)، «مدیریت منازعه در خاورمیانه»، ترجمه روح الله طالبی آرانی، *گزارش پژوهشی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
نصری، قدیر و سلیمی، آرمان (تابستان ۱۳۹۳). «کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت»، *فصلنامه روابط خارجی*، س ٦، ش ۲.
نظری، علی‌اشرف، قنبری، لقمان (۱۳۹۳). «شکاف‌های فرهنگی و منازعات ایدئولوژیک در کشورهای خاورمیانه با تاکید بر تحولات سیاسی ۲۰۱۰ ـ ۲۰۱٤»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ٤، ش ٤، زمستان ۹۳، صص ۱٦۳ ـ ۱۸٤.
آلیس، هادی (۱۳۸۷). «خواسته‌ی کردها برای تشکیل دولت و آینده‌ی عراق»، در *کتاب چشم‌اندازهای منطقه‌ای*،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

و بین‌المللی: عراق پس از صدام، به کوشش احمد سلطانی نژاد و امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
یلدیز، کریم (۱۳۹۱). *کردها در عراق: گذشته، حال و آینده*، مترجم سیروس فیضی، تهران: انتشارات توکلی.

انگلیسی

Anlar, Aslıhan (2006). *Russian foreign policy towards Iraq in the post-cold war era*. Available at: https://etd.lib.metu.edu.tr

Bonfield, Craig (AUG 28, 2014). Kurdish Push for Independence Derailed by ISIS? *Center for Strategic and International Studies CSIS*, Available on: http://csis.org/publication/kurdish-push-independence-derailed-isis

Bosearslan, Hamid (2014). The Kurds and Middle Eastern "State of Violence": the 1980s and 2010s. *FOUNDATION FOR KURDISH STUDIES (USA),* Volume: 2 (issue 2051-4883), No: 1, pp. 4 – 13.

Cockburn, Patrick (2015). *The Rise of Islamic State: ISIS and the New Sunni Revolution*. Verso Books.

Friedland, Elliot (2015). *The Islamic State*. Clarion Project. 501 (c) (3).

Global Legal Research Center (GLRC) (June 2004). *Iraq: Legal History and Traditions*. The Law Library of Congress. Available at: http://www.law.gov.

Invest in Group (2013), *Kurdistan Review: An eye on the alluring leaders*, emerging sectors, leading companies, and rising trends shaping the future of the Kurdistan Region of Iraq

Katzman, K., Blanchard, C. M., Humud, C. E., Margesson, R., Tiersky, A., & Weed, M. C. (2014, November). The'Islamic State'Crisis and US Policy. *Congressional Research Service (Library of Congress).*

Katzman, Katzman and Humud, Carla E. (2015). *Iraq: Politics and Governance. Congressional Research Service.* Available at: www.crs.gov.

Kurdistan National Congress (KNK) (2014). *ISIS Attacks and Kurdish resistance in Kurdistan*. INFORMATION FILE. Available at: www.kongrakurdistan.net

Lowe, Robert and House, Chatham (2006), *The Syrian Kurds: A People Discovered*, MIDDLE EAST PROGRAMME, Chatham House, and MEP BP 06/0.

Lund, Aron (Jan. 22, 2016). *Origins of the Syrian Democratic Forces: A Primer*. Available

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

at: https://www.newsdeeply.com/syria/articles/2016/01/22/origins-of-the-syrian-democratic-forces-a-primer/

Nasri, Ghadir & Salimi, Arman (Winter 2013). The Politics of Kirkuk: Policy Implication for Iran. *Iranian Review of Foreign Affairs*. Vol. 3, No. 4, pp. 75-100.

Phillips, L. David (2015), *TASK FORCE REPORT STATE-BUILDING IN IRAQI KURDISTAN*, Institute for the Study of Human Rights, Columbia University, New York, NY 10027.

Sabio, Oso (2015). *Rojava: An Alternative to Imperialism, Nationalism, and Islamism in the Middle East*. Publisher: lulu.com.

Todenhofer, Jurgen (2015), *The Islamic State*, Available at: https://archive.org/download/EbookTheRevivedCaliphate2014/Ebook-The-REVIVED-CALIPHATE-2014.pdf.

کردی

ئەبوبەکر، عەلی (۲۰۱۵)، داعش لە نیوان توندرەویی ئاینی و شکستی دەولەتدا، چاپخانەی روژهەلات، لە بلاوکراوەکانی سەنتەری لیکولینەوەی فکری و سیاسی نەهری.

کەتزمەن، کنیز و ...(۱۳۹۳). «قەیرانی دەولەتی ئیسلامی و هەلویستی ئەمەریکا، لە ئینگلیزییە وە: رەزا فەرام رزی»، وەرزنامەی زرئبار، ژمارەی ۸۷ و ۸۸.

سایت‌ها

http://www.terrorism-info.org.il/en/article/20733

http://rudaw.net/english/opinion/24062016

http://www.nnsroj.com/fa/detiles.aspx?id=90748

http://www.nrttv.com/Details.aspx?Jimare=23617 (Kurdish)

http://www.nrttv.com/Details.aspx?Jimare=68545

http://www.nrttv.com/Details.aspx?Jimare=68431

http://www.theguardian.com/world/2016/jan/22/kurdish-independence-closer-than-ever-says-massoud-barzani (English)

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۶

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

طالبی‌آرانی، روح‌الله؛ زرین‌نرگس، یحیی (۱۳۹۵)، «ظهور داعش و دگردیسی در رفتار کردها (سوریه و عراق)» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۶، ش۲، تابستان ۹۵، صص ۱۵۰-۱۲۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]